

بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵

خلاصه طرح

هدف کلی:

هدف اصلی در این تحقیق، بررسی اجمالی روند تحولات ازدواج در ایران و تأثیر عوامل اجتماعی-جمعیتی بر آن بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ بود.

نتایج:

متغیر وابسته در این بررسی میانگین سن اولین ازدواج زنان و متغیرهای مستقل عبارتند از: میزان باسوادی مردان و زنان، میزان تحصیلات عالی به تفکیک جنس، میزان اشتغال زنان به تفکیک مناطق، میزان بیکاری مردان به تفکیک مناطق، میزان شهرنشینی و نسبت جنسی است.

- میانگین سن ازدواج زنان طی دو سرشماری (۸۵-۱۳۷۵) در زنان- مردان و شهری- روستایی افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۵ بیشترین میزان مربوط به استان‌های گیلان، ایلام و کرمان و کمترین میزان مربوط به استان‌های قم، یزد و اصفهان است. در سال ۱۳۸۵ بیشترین میزان به استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و کمترین میزان به استان‌های مازندران، یزد و سیستان و بلوچستان اختصاص دارد.

- میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۱/۴، حداقل آن ۱۹/۹۶ و حداکثر آن ۲۲/۶۹ می‌باشد. در دوره بعدی (۱۳۸۵) این میانگین به ۲۳/۳۲ رسیده است. همچنین حداقل سن ازدواج ۲۱/۹۴ و حداکثر ۲۵/۵۲ است.

- بر اساس یافته‌های تحقیق مهم‌ترین متغیرهای مستقلی که طی دو سرشماری با متغیر وابسته رابطه معنادار دارد میزان بیکاری مردان، میزان شهرنشینی، نسبت جنسی، میزان باسوادی و تحصیلات عالی است.

- در سال ۱۳۸۵ مهم‌ترین متغیرهای مستقل تبیین کننده میزان باسوادی، بیکاری، شهرنشینی، میزان تحصیلات عالی است. در سطح کلی سه متغیر میزان باسوادی، بیکاری و شهرنشینی ۳۵ درصد از تغییرات (افزایشی میانگین سن ازدواج زنان) را بعهده دارند و این رابطه مستقیم بوده یعنی با افزایش متغیرهای مستقل، سن ازدواج افزایش می‌یابد.

- بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در دو دوره سرشماری میزان بیکاری مردان به ویژه در مناطق روستایی است. همچنین متغیر میزان باسوادی و تحصیلات عالی نیز از دیگر متغیرهایی است که سبب بالارفتن سن ازدواج شده است که این عوامل نیز به دلیل اشتغال مردان به تحصیلات و نداشتن کار مناسب برای تشکیل خانواده با متغیر بیکاری مردان ارتباط دارند.